



### معرفی کوتاه جبهه ملی ایران

جبهه ملی ایران سازمان سیاسی ملی گرا، سکولار، دموکرات و جمهوری خواه فعال در ایران است. جبهه ملی ایران در سال ۱۳۲۸ توسط سیاستمدارانی از قبیل محمد مصدق و حسین فاطمی تأسیس شد و به پیشنهاد حسین فاطمی، ملی شدن صنعت نفت ایران را مطرح کرد. در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ نفت ایران ملی شد. سرانجام در جریان کودتای ۲۸ مرداد، دولت دکتر مصدق سقوط کرد و جبهه ملی منحل شد. جبهه ملی بارها احیا و هر بار توسط حکومت های دیکتاتور زمان منحل شد. در سال ۱۳۳۹ جبهه ملی دوم، در سال ۱۳۴۴ جبهه ملی سوم، در سال ۱۳۵۷ جبهه ملی چهارم، در سال ۱۳۷۲ جبهه ملی پنجم و در نهایت در آبان ۱۳۹۷ این سازمان سیاسی با نام جبهه ملی ایران - سامان ششم توسط بزرگانی همچون دکتر باوند، مهندس زعیم، دکتر رشیدی و سایر بزرگان مجدداً احیا گردید و همچنان فعال می باشد. در اساسنامه جبهه ملی ایران - سامان ششم به مواردی همچون حقوق شهروندی، آزادی های مدنی، حقوق بنیادین فردی و تعهد جامعه و فرد، حقوق زنان، حقوق صنفی و کارگری، انتخابات آزاد، رسانه های آزاد، آموزش رایگان، بهداشت و درمان رایگان، امنیت سرمایه گذاری و اقتصادی و مالکیت، فقرزدایی، منابع طبیعی و میراث تاریخی، سیاست خارجی و جدایی دین از سیاست تأکید شده است

## تحلیل قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی و چین



**گیتی پورفاضل حقوقدان مدافع حقوق بشر و امضا کننده بیانیه ۱۴ برای گذار، آزاد باید گردد**



**بیانیه جبهه ملی ایران-سامان ششم در پشتیبانی از محمد نوری زاد: ما خواستار آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم**



**نامه به یونسکو برای نجات ایوان مداین**



**بلوچستان مظلوم و امنیت سرزمینی ایران- کورش زعیم**



**سالمندان و بازنشستگان را دریابیم**



**بیانیه جبهه ملی ایران در حمایت از مالباختگان بورس**

**بخش معرفی تنی چند از بزرگان جبهه ملی ایران**

**فضولات تجزیه طلبی**  
نویسنده: حمید شمس

در صدر مشروطیت یک گردن کلفتی بود با نام صنیع حضرت مثل شعبون استخوانی. او هر از گاه به تحریک شیخ فضل الله و در دفاع از عطاری ها، با نوچه هایش می رفت به داروخانه های انگشت شماری که ایجاد شده بود و می گفت: «مستر! پر سیاوش داری؟» طرف می گفت نه! صنیع رو به نوچه هایش کرده و می گفت: «بچه ها، داروخانه ای که پر سیاوش نداره، چکارش باید کرد؟» بعد همگی مبادرت به تخلیه فضولات خود می کردند. چند بار که این اعمال را تکرار کردند، مسئول داروخانه ای در لاله زار چند تا طشت و لگن گذاشت کنار داروخانه. دفعه بعد که صنیع با ادم هایش وارد شدند، پرسیدند: «مستر! بادرنجبویه داری؟»، دکتر مربوطه گفت: شما چیکار داشت که من بادرنجبویه دارم یا ندارم، اون لگن ها را آنجا گذاشتم، بروید فضولات خود را آنجا تخلیه کنید!! حالا حکایت عوامل مزدور الهام علیف است؛ آنها کاری ندارند به وجود و یا عدم وجود تبعیض؟! می خواهند سم پاشی کنند و می کنند. به نظر من نه تنها تبعیض علیه هم وطنان آذری نبوده و نیست، بلکه بیشتر ثروت کشور در دستان با کفایت این هم وطنان است و اغلب پست های مقامات کشور در ۴۲ سال گذشته در اختیار آذری ها، اصفهانی ها و کرمانی ها بوده است. من ندیدم که جمهوری اسلامی یک پست رئیس اداره به ارامنه داده باشد و یا یک ارمنی را استخدام دولتی کند. این در حالیست که همگرایی ملی در نزد ارامنه بیشتر از دیگر اقلیت هاست. شما به بازار تهران بروید. اغلب فرش فروش ها، طلا فروش ها و صاحبان مشاغل بزرگ، آذری می باشند و مورد احترام هستند. بیرون از بازار تعداد کثیری از لر ها با شلوار های گشاد و یک چرخک ایستاده اند تا کسی به آنها کار حمالی بدهد. اگر قرار باشد فریاد علیه بی عدالتی بلند شود، نخست این لر ها و بلوچ ها و سپس بقیه مردم هستند که باید برخیزند. من آرزو می کنم که جوانان عزیز آذری گول پروپاگاندای عوامل مزدور منطقه «ایران شمالی» را نخورند، قدر داشته های خود را بدانند، به وضع موجود راضی نباشند، اعتراض کنند، اما چشم بسته داخل تونل تاریک نشوند و به وطن خود هم وفادار، باشند

**تغییر الویت ها در سیاست حاکمان**  
نویسنده: اکبر بهراد

در اولویت بندی خواست های یک کشور، چه در عرصه خارجی و چه در عرصه داخلی دو نگرش غالب وجود دارد، اولی نگرش ایدیولوژیک با مفهوم آن است و دومی رویکرد منافع ملی در مفهومی جدا از ایدیولوژی عام این رویکرد های ایدیولوژیک معمولاً در کشور های غیر توسعه یافته و یا کمتر توسعه یافته وجود دارد و یا بهتر است بگوییم وجود داشته است. از آنجا که این رویکرد بر خلاف تفکر لیبرال از اندیشه به فعل منجر میشود و الزاماً با واقعیت های علمی متغیر در زمان همخوانی ندارد و بدون در نظر گرفتن تفاوت های بنیادی در نهاد انسان صورت می گیرد لذا در جهان امروز و در برخورد با نیاز های متغیر بشر، کمتر پاسخگو بوده و عموماً با تحکم و زور همراه است و قابل رقابت با اندیشه ناشی از فعل انسان نیست، دارای فنا پذیری بیشتری است و بر اساس تجربیات تاریخی جای خود را از متن به حاشیه و از واقعیت ایدیولوژی به صورت آن داده است. برای نمونه ایدیولوژی حاکم بر کشور های اسلامی و کمونیستی را میتوان نام برد که از جنبش های اسلام گرا به قدرت طلب و از انترناسیونال به ناسیونال تغییر ماهیت داده اند، هر چند که گاهی صورت خویش را حفظ کرده و به عنوان تریبون تبلیغاتی از آن استفاده می کنند. با اندک نگاهی به کشورهای کمونیستی شوروی و جمهوری اسلامی در ایران در میابیم که از مرام کمونیست و نیز اسلام چیزی جز نام و یک ابزار باقی نمانده است، آن هم برای حفظ قدرت و نه هیچ یک از پارامتر های موجود در ایدیولوژی اسبق. شاید دلیل کارایی نگرشی که از فعل به اندیشه می رسد این نکته است که خطا پذیری آن امری پذیرفته و در مقابل خطا قابل اصلاح است. در مقابل ایدیولوژی به مفهوم آن است که دگمیت و قدسیت آن راه را برای اصلاح بسته، که نتیجه آن را می بینیم

**خلاصه تعریف حکومت های توتالیتر (تمامیت خواه)**  
نویسنده: مسعود

نظام توتالیتر، نظامی سیاسی است که در آن، حکومت تقریباً تمام جنبه های زندگی عمومی و خصوصی افراد (اقتصاد-مذهب-پوشش و...) را کنترل می کند. رژیم های توتالیتر، اغلب استقرار و حفظ قدرت سیاسی را از طریق استفاده از یک ایدیولوژی فراگیر رسمی (مانند کمونیسم یا اسلام گرای افراطی و رسمی کردن یک مذهب) و تبلیغات فراوان حکومتی از راه رسانه هایی که عمده آن ها در انحصار دولت است، برقراری کیش شخصیت «مقدس کردن یک نفر در رأس حکومت» که در پی آن هرگونه انتقاد از آن شخص توهین و جرم محسوب می شود، محدود کردن و ممانعت از بحث آزاد و نقد حاکمیت، استفاده از فضای سانسور و استفاده از تاکتیک های ایجاد رعب محقق می سازند. مشخصه های حکومت های توتالیتر: ساختن دشمن فرضی مشترک برای مردم و حکومت (همانگونه که معاون هیتلر گفته بود که اگر می خواهی مردم را تحت هر شرایطی مثل ظلم، فقر و بیکاری فرمانبردار نگه داری برای آنها یک دشمن فرضی بساز که هر لحظه ممکن است حمله کند) - بسته شدن روزنامه های منتقد حکومت - سانسور شدید در تمام ابعاد، از جمله اطلاعات، رسانه ها، اینترنت، مطبوعات و کتب - زندانی شدن افرادی که از حکومت انتقاد می کنند - پنهان کردن سیاسی فراوان در کشورهای دیگر - اقتصاد بسته دولت مدار - وجود رهبری مقتدر و اغلب کاریزماتیک در رأس حکومت - شخصیت پرستی - وجود ایدیولوژی فراگیر رسمی و حکومتی که همه چیز با آن سنجیده می شود - سرکوب شدن حقوق افراد سیاسی، مذهبی و قومی - قرار داشتن انحصار رسانه های فراگیر، از جمله رادیو و تلویزیون، در اختیار دولت و نبود رادیو و تلویزیون خصوصی - دولتی بودن تمام نظام های ارتباطی، از جمله تلفن و اینترنت - مقدس شماری آرمانه های رسمی حاکمیت - برخورد سخت گیرانه و بی رحمانه با مخالفان حکومت - محدود شدن آزادی های فردی، به ویژه، آزادی بیان. بدترین نوع حکومت های توتالیتر، حکومت های توتالیتر مذهبی هستند مثل حکومت اسلامی داعش، حکومت کمونیستی کره شمالی و مانند اینها





هم میهنان گرامی در شرایطی که میهن عزیزمان از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فقر و بیکاری و فساد و خشونت ساختاری و ناکارآمدی و فساد حکومت رنج می‌برد، و ماجراجویی‌های نظام حاکم باعث تحریم‌های شدید اقتصادی و خطر جنگ علیه میهن ما شده، واکنش حاکمیت بجای شنیدن صدای مردم و دگردیسی، بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام معترضان بوده است. در پی این واکنش‌های خشونت آمیز و بی‌اعتنایی به خواست مردم، روزی نیست که بهترین‌های ما را تهدید یا بازداشت نکنند. با کمال تأسف یکی از این قربانیان توهم قدرت نظام، بانو گیتی پور فاضل، این شیر زن مبارز و آزادیخواه امضا کننده بیانیه ۱۴، وکیل مبارز دادگستری در دفاع از زندانیان عقیدتی و سیاسی، و هموند هیئت رهبری جبهه ملی ایران (سامان ششم) است که امروز دوازدهمین ماه است که با وجود سن بالا و دشواری‌های جسمانی و شیوع خطرناک همه‌گیری کرونا در زندان بسر می‌برد. بانو گیتی پور فاضل، یکی از برجسته ترین حقوقدانان و وکیلان مدافع فعالان سیاسی، حقوق بشری، عقیدتی و آزادیخواهی، یکی از شیر زنان امضا کننده بیانیه ساختار شکن ۱۴ که تنها راه برون رفت را در گذار از جمهوری اسلامی دانستند و اعتراض به فساد و خشونت و آفت‌های اجتماعی و اقتصادی که کشور را به سقوط اقتصادی و اخلاقی و فقر کشانده و در مسیر شورش مردمی و جنگ داخلی قرار داده می‌باشد. ما می‌پنداریم که موضع سرسختانه ایشان علیه فساد و خشونت و بی‌قانونی، بویژه اعتراض به نماد همه این ویرانگری‌ها که رهبری جمهوری اسلامیست، خشم نهادهای امنیتی را برانگیخته و انتقام‌جویی میکنند. یکی از اتهامات واهی به ایشان و هم‌زمانش در بیانیه ۱۴ اقدام علیه امنیت ملی یعنی انتقاد از جمهوری اسلامی، و درخواست از رهبر جمهوری اسلامی، که از دیدگاه قانون اساسی مسئول تمامی خرابی‌ها، فساد و عقب افتادگی و فقر و تباهی زندگی مردم ایران است، به کناره‌گیری از قدرت می‌باشد. سی سال تجربه شکست خورده و ویرانگر رهبری ایشان کافیهست. رفتار ضد بشری نهادهای امنیتی ایشان علیه مردم، که لابد شرایط شکننده جمهوری اسلامی را درک نمی‌کنند، مصداق بر شاخه نشستن و بُن بریدن است. اقدام علیه امنیت ملی غارت صدها میلیارد دلار از ثروت ملت و انتقال به کشورهای مرگ بر استکبار جهانی است که شعار آقایان برای کور کردن چشم مردم بوده است. اقدام علیه امنیت ملی هزینه کردن درآمد کشور بجای آبادانی کشور و رفاه مردم، در ماجراجویی‌های شکست خورده صدور انقلاب و ترویج شیعیگری است. اقدام علیه امنیت ملی فروش کشور به روسیه و چین برای تضمین بقای خود و چند صباحی بیشتر ماندن است. اقدام علیه امنیت ملی ورشکست کردن کارخانه‌های تولیدی ما که روزی بهترین در آسیا بوده اند و توسط آفازاده‌های شما غارت و ورشکسته شده‌اند است. اقدام علیه امنیت ملی غارت بودجه حقوق و مزایای کارگران و کارمندان، صندوق بیمه درمانی و صندوق بازنشستگی مردم ایران است. اقدام علیه امنیت ملی سیستم قضایی فرمایشی است که زورش به ابرزدان و غارتگران و خیانتکاران نمیرسد، ولی دختران و جوانان معترض را به بند میکشد، شکنجه میکند و حکم اعدام میدهد. اقدام علیه امنیت ملی آزادی مافیاهای قاچاق از مبادی ورودی مرزها و بندرها و اسکله‌های رسمی است که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور را در دست دارند، نه گمرکی می‌دهند نه مالیات سود کلان فروش را، ارز دولتی میگیرند و با ارز آزاد به مردم میفروشند، کالاهای ضروری را احتکار می‌کنند؛ و حتی تحمل زندگی کولبران و سوخت‌بران نیازمند در تلاش معاش را ندارند و آنان به قتل می‌رسانند. اقدام علیه امنیت ملی خیلی چیزهاست که در این مقوله نمی‌گنجد و متهم آن خود حاکمیت است. آری، شما آقایان خود بزرگترین تهدید کنندگان امنیت ملی در چهل و دو سال گذشته بوده و هستید چگونه یک بانوی حقوقدان میهن پرست مدافع حقوق مردم عادی به همراه هم‌زمانش در بیانیه ۱۴، امنیت شما را بر هم میزند که او را باید زندانی کنید و از زندگی و فعالیت حقوق

بشری برای احقاق حقوق مردم ستمدیده باز دارید؟ آیا این اقتدار شماسست که به آن لاف میزنید: تهدید و زندان و شکنجه و اعدام؟ ما با توجه به بازداشت و پرونده سازی و حکم و حبس غیرقانونی علیه دگراندیشان میهنمان بویژه وکیل شجاع و آزادیخواه، بانو گیتی پور فاضل، این اقدام ضد بشری و ضد امنیت ملی را شدیداً محکوم کرده خواستار آزادی فوری ایشان هستیم. ما همچنین قویا خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، عقیدتی، حقوق بشری، مدافعان محیط زیست و دانشجویان و فعالان صنفی از جمله کارگران و معلمان هستیم. نظامی که از اعتراضات برحق مردم عادی خود هراس دارد، ولی جاسوسان بیگانه آزادانه در آن فعالیت میکنند، مقتدر نیست، ترسوست و در حال فروپاشی تهران- ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ خورشیدی

### بیانیه جبهه ملی ایران - سامان ششم در پشتیبانی از محمد نوری زاد



کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در طی چهل و دو سال عمر خود با آسیب‌های جبران ناپذیری که به ملت و کشور ما زده، آنرا بعنوان یکی مستبد ترین، فاسد ترین و منفورترین حکومت‌های تاریخ ایران ثبت کرده است. حکومتی که بجز دروغ و خشونت و غارت دارایی‌های کشور هنری از خود نشان نداده است. امروز کشور ما به جایی رسیده که گورستان‌هایمان آباد، زندان‌هایمان پر و جیب‌هایمان خالی و کشورمان ویرانه شده است. روزی نیست که ملت ایران در رسانه‌ها خبری از شرایط دهشتناک زندانیان سیاسی و آزادی خواه نشوند و از خود نپرسند که برآستی گناه او جز انتقاد مسالمت آمیز از حاکمیت چه بوده؟ گورستان‌هایمان که دهها هزار آزادیخواه جانباخته در دهه شصت را در آغوش گرفته‌اند و نیز پذیرایی پیکرهای پاک صدها هزار جانباخته جنگ هشت ساله که عامل اصلی تداوم آن برای شش سال بیشتر همان سردارانی بودند که امروز ادعای نجات ایران را دارند. امروز هم شاهد فاجعه قربانیان بی‌شمار بیمارار کرونا بواسطه ناتوانی و نابخردی و فساد آقایان هستیم. زندان‌هایمان از همان بدو انقلاب ۵۷ مبدل به شکنجه‌گاه صدها آزادیخواه و مخالف جوانی که از فرط اقتصاد ویران ماحصل دزدی و چپاول و نابخردی وزیران و مدیران بیسواد به بزهکاری و اعتیاد روی آوردند. یک نمونه از خشونت و بیداد حاکمیت سرنوش محمد نوری‌زاد در زندان است. چه گفت و چه کرد که باید به زندان بیافتد و با او چنین برخوردهای خشن و غیرانسانی صورت گیرد تا جایی که این مرد مبارز جان به لب رسیده از کوچکترین حقوق یک زندانی که تماس تلفنی با خانواده اش است محروم شود؟ رفتار وحشیانه برخی زندانیان با زندانیان از جمله تزریق هشت آمپول به نهانگاه محمد نوری‌زاد ما را به یاد وحشیگری‌های آلمان نازی می‌اندازد. چرا باید ما باید هر روز اخبار ناگواری از شرایط محمد نوری‌زاد و صدها زندانی سیاسی دیگر بشنویم؟ آیا جمهوری اسلامی مشاعر خود را بکلی از دست داده است؟ به راستی حکومتی که خود را ابرقدرت (!) میداند فقط یک ابرذلیل است، چرا که از انتقاد مخالفان خود سخت می‌هراسد، بازداشت می‌کند و با داغ و درفش به جان آنان می‌افتد؟ این نشان اقتدار نیست که پیوسته ادعا می‌کنند؟ ما در جبهه ملی ایران به عنوان یک سازمان آزادیخواه که از بدو استقرار حاکمیت مذهبی مورد ستم و محدودیت و بگیر ببندهای امنیتی و زندان بوده‌ایم، به سردمداران رژیم هشدار میدهیم که دست از آزار و زندان افکندن و شکنجه آزادیخواهان و خانواده‌هایشان بردارید و سرنوش دیکتاتوری‌های مستبد و ستمگر را آیینه عبرت خویش نمایید، که آینده نزدیک است. ما امروز رسماً اعلام می‌کنیم که نگران سلامتی محمد نوری‌زاد بوده و ضمن محکومیت شدید رفتارهای ضد بشری با این مبارز آزادیخواه، جمهوری اسلامی را مسئول سلامت او دانسته خواستار آزادی بی قید و شرط ایشان و تمامی زندانیان سیاسی، عقیدتی، حقوق بشری و صنفی در بند هستیم. جبهه ملی ایران - سامان ششم تهران، سوم اردیبهشت ۱۴۰۰ خ

### ترجمه نامه به یونسکو برای نجات ایوان مداین



ترجمه نامه به یونسکو برای نجات ایوان مداین سوم فوریه ۲۰۲۱  
عالیجناب بانو اودری آزولای، مدیر کل سازمان آموزشی، دانشیک و فرهنگی سازمان ملل پاریس، فرانسه  
موضوع: درخواست کمک اضطراری برای نجات یک میراث مهم جهانی از سده ششم متعلق به تاریخ و معماری کهن ایرانیان در عراق بانوی گرامی

یک میراث مهم تاریخ و معماری ایرانی به نام تیسفون یا ایوان مداین که در شهر مداین عراق قرار دارد که متعلق به دوران امپراتوری ساسانیان ایران است و از سده سوم تا ششم میلادی ساخته شده است این سازه در اثر بی توجهی دولت عراق و عوامل طبیعی و انسانی رو به ویرانی گذاشته و اخیراً بخش عمده‌ای از سقف گنبدی شکل ۳۰ متری آن فروریخته و بخش‌هایی از دیوارها نیز ویران شده است. این میراث تاریخی ثبت یونسکو به عنوان میراث جهانی است و توجه شما را نیاز دارد. از آنجا که نه دولت عراق و نه دولت ایران حساسیت لازم را نسبت به ویرانی تدریجی و هشداردهنده این میراث کهن نشان نمیدهند، ما به عنوان یک سازمان سیاسی و حقوق بشری با قدمتی هفتاد ساله مایل به دریافت اجازه و راهنمایی از یونسکو هستیم تا برای بازسازی این میراث تاریخی ملی و جهانی سازماندهی کنیم. لطف ما را راهنمایی نمایید. منتظر پاسخ و راهنمایی شما می‌مانیم  
جبهه ملی ایران - سامان ششم  
کمیته نجات ایوان مداین  
تهران، ایران  
۱۵ بهمن ۱۳۹۹ خ



### نکاتی پیرامون فایل صوتی منتشر شده آقای ظریف

۱- پدیده دولت در دولت و سواستفاده روسیه از دوگانگی دولت در ایران. ۲- تمایل روسیه و احتمالاً چین به شرایط نه جنگ و نه صلح با غرب، زیرا در این وضعیت هم در ایران بی رقیب جولان می‌دهند و هم با فشار بر غرب باج می‌گیرند. ۳- سخنان ظریف در ارتباط با مناسبات با غرب چنان پرشور بود که گویی پایان عصر صدور انقلاب رسیده است. ۴- دولتمردان ایرانی و خارجی به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی یک بحران در روابط خارجی است و نه یک بحران داخلی (دموکراتیزه شدن). ظریف به صراحت از نقش موازی سلیمانی در تخریب روابط بین المللی ایران سخن گفت. اما حتی یکبار از نقش موازی ایشان در سرکوب بزرگترین و خونین ترین اعتراض داخلی در سال ۹۸ سخن نگفت. زیرا وی اصلاح جمهوری اسلامی در تنش زدایی با جهان را می‌خواهد، اما اعتنایی به تنش زدایی داخلی ندارد. این نشان می‌دهد دولتمردان داخلی و نیروهای خارجی محتمل است، بر سر یک جمهوری اسلامی غیردموکراتیک اما بدون مداخله در حزب الله لبنان، حماس، یمن و ... به توافق برسند. ۵- مطلب آخر اینکه چه کسی و چرا این فایل را منتشر کرده است؟ (الف) اصلاح طلبان برای تبلیغ انتخابات (ب) اسرائیل برای مکر کردن روابط ایران و آمریکا (ج) کل نظام برای دمیدن در کوره انتخابات. به نظر می‌رسد هیچ کدام از اهداف فوق تحقق نمی‌یابد. زیرا اول اینکه اگر هم انتشار این فایل اصلاح طلبان را تبرئه کرده باشد دولت اسلامی را فاقد ارزش برای یک فراندوم داخلی نشان داده و دوم اینکه ماه عسل امریکائیان با اسلامیون آنقدر صمیمانه است که بعید به نظر می‌رسد خدشه ای بر آن وارد شود. با این وجود باید منتظر بود و نتیجه را دید

### نامه ای برای آینده ایران

در زمانی که در پرتو انقلابهای علمی، تکنولوژیکی و ارتباطات و اطلاعات و روند مسلط جهانی شدن، کشورها باید بر پایه مقتضیات، ضرورتها و ارزشهای مترقیانه روز راه توسعه، آبادانی و رفاه عمومی را وجهه همت خود ساخته و در قبال بروز رویدادهای غیرمترقبه زاینبار سیاست شفاف سازی، آگاه سازی، آموزش و مشارکت جوامع مدنی سازمان یافته را پیگیر باشند. از سوی دیگر، برخی حکومتها، مانند جمهوری اسلامی در ایران، به سبب پایبندی به ارزشها و موازین اعتقادی دیرینه و بهره گیری از دستورالعمل های آن، در قبال معضلات پیچیده و بحرانیهای پیش آمده در عمل نسبت به چاره جویی و پاسخگویی به حل مشکلات و معضلات پیچیده روز ناتوان هستند، به ویژه رویدادهای غیرمترقبه زاینبار. چنانکه در قبال بروز ویروس مرگبار کرونا و گسترش جهانی این فاجعه شاهد برخوردها و خط مشی های متفاوت نابخردانه در رابطه با چگونگی حل این معضل میشویم. از جمله در این روزهای تلخ و سخت که کشورمان در میان آلوده ترین کشورها به ویروس کروناست، شاهد مرگ دهها هزار تن از هم میهنان خود می‌باشیم، بیماری کشنده ای که ورود آن به ایران از راه مدارس طلبگی و بازگرداندن صدها طلبه چینی به قم آغاز شد و گسترش آن در سراسر کشور به سبب سوء مدیریت، خطاها و نابخردی های حکومت در این باره بشرح زیر فهرست میشوند: بردن طلبه های چینی ناقل ویروس کرونا به چین و بازگرداندن آنان به حوزه های علمیه قم. بردن تیم وزنه برداری چین که برخی از آنان ناقل ویروس کرونا بودند به استان گیلان برای مسابقه دهه فجر. جلوگیری از پخش خبر گسترش ویروس برای عدم کاهش حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی. جلوگیری از قرنطینه شدن شهر قم به دلیل اهمیت این شهر برای تبلیغات اسلامی. در این هفته ها گواه آن بوده ایم که چگونه مراکز اسلامی مانند مدارس طلبگی و اماکن زیارتی مانند امامزاده ها به گسترش این بیماری شتاب داده اند. همچنین، با ناباوری شاهد نسخه پیچی پزشکی و درمانی از سوی برخی ملایان و زاهدان کشور برای عوام ساده دل هستیم. رفتار دکانداران دین و کردار برخی جاهلان پیرو آنان برآستی نمک بر زخم دلسوزان میهن می‌باشد و اندوه آنان را از آنچه در کشورمان میگذرد دوچندان میکند. این مراکز و متولیان آنها که هر سال بودجه هنگفتی را از سرمایه ها و درآمدهای ملی دریافت میکنند، نه تنها هیچ سودی به ملت نمیرسانند که در کنار پراکندن خرافات و نادانی در میان ملت، حتی تندرستی آنان را نیز به بازی می‌گیرند. بر بنیاد آنچه گفته شد، ما امضا کنندگان این درخواست نامه از حکومت ملی و مردمی آینده حاکم بر ایران می‌خواهیم که در باره مراکز پرشمار اسلامی در کشور تصمیم اساسی و بجایی گرفته بسیاری از آنها را شامل تغییر کاربری نماید. شهر کوچکی با بیست هزار جمعیت نیاز به دهها مرکز مذهبی ندارد. بسیاری از آنها، یک بار مالی غیر ضروری بر کشور تحمیل میکنند. از آنجا که مراکز اسلامی، از جمله صدها هزار مسجد، حسینیه، فاطمیه، حوزه هنری اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه نماز جمعه در سراسر کشور وجود دارد و از آنرو که کشور برجای مانده از جمهوری اسلامی وارث دشواریهای بزرگ اجتماعی و اقتصادی خواهد بود، بسیار شایسته است که بسیاری از این مراکز به کانونهای بهزیستی، آموزشی و هنری مانند پرورشگاه، مرکز ترک اعتیاد، آسایشگاه سالمندان، درمانگاه، تالار برگزاری جشنهای ملی، آموزشگاههای فنی-حرفه ای و هنری، کتابخانه، خانه جوانان و خوابگاه موقت برای اشخاص بیخانمان تبدیل شوند. همچنین شماری از این مراکز مانند مسجد گوهرشاد مشهد، مسجد شاه اصفهان، مسجد کبود تبریز، مسجد جامع یزد و مسجد سپهسالار تهران که دارای ارزشی هنری و تاریخی هستند باید به عنوان موزه بکار گرفته شوند. در هر شهری نیز شماری معدودی از مسجدها میتوانند در خدمت باورمندان برجای بمانند تا برای سنت‌هایی چون مجلس ختم بکار گرفته شوند. بدین گونه، هم از شمار کانونهای ساخت و گسترش خرافات و باورهای دانش ستیز کاسته خواهد شد و هم مرهمی بر زخمهای کوچک و بزرگ جامعه گذاشته میشود و از این اماکن و سرمایه ها در راستای بهروزی ملت بهره‌گیری خواهد شد  
امضاء کنندگان: داود هرمیداس باوند، گیتی پورفاضل، کورش زعیم



# تحلیل قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی و چین



در عرصه بین‌المللی مذاکرات پنهانی، توافق‌های پنهانی، واگذاری‌های پنهانی، حتی قراردادهای پنهانی داخلی از ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی است که از شفاف کار کردن و راست گفتن به ملت ایران می‌ترسد. مانند بخشیدن حقوق مالکیت ایران در دریای کاسپین برای خوشامد روسیه، گذشتن از حقوق ایران در رود هیرمند از بی‌عرضگی یا برای خوشامد طالبان و القاعده، بی‌اعتنایی به سدسازی‌های ترکیه و تجاوز به حق آبه ایران، سکوت در برابر حمله ترکیه به ارمنستان و تصرف ارتباط مرزی راهبردی ما با ارمنستان، سکوت در برای پایگاه نظامی ترکیه در کنار رود ارس و استقرار ۷ هزار داعشی، امضای قرارداد ۱۵ ساله با چین برای تهیه‌سازی خلیج پارس از آذربایجان با جاروکنی کف دریا بجای ماهیگیری، واگذاری پایگاه هوایی همدان به روسیه، فروش خاک کشاورزی ما به امارات، فروش خاک گرانبه‌های صنعتی جزیره هرمز به امارات برای تولید لوازم آرایشی و پزشکی، و غیره و غیره. امروز ما شاهد بیمانهایی پنهانکارانه فراوانی بر ضد منافع و استقلال ملی ایران و افزایش فقر ملی هستیم. پیمان راهبردی ۲۵ ساله با چین که شرایط آن می‌تواند ایران را تبدیل به یک مستعمره بسیار فقیر چین نماید تازه ترین شاهکار خیانت به ملت ایران و تداوم پر کردن جیب خودشان است. این پیمان که روسیه هم با آن همکاری دارد، ما را به یاد در دوران قاجار که روسیه در همکاری با بریتانیا ایران را بین خودشان تقسیم کردند. امروز روسیه و چین تیمی تشکیل داده‌اند تا ایران را میان خودشان تقسیم کنند. ادعای جمهوری اسلامی خنثی سازی تحریم‌های آمریکا علیه عوامل و عملکرد ماجراجویانه‌اش در منطقه است. جمهوری اسلامی اگر مشاورانی با سواد و هوشمند که با سیاست جهانی و روند سیاست‌گذاری‌های جهانی آشنا بودند استفاده میکرد خودش را در این نمی‌افکند. از متن منتشر شده پیمان به نام «همکاری‌های جامع ۲۵ ساله ایران و چین» بر می‌آید که چین با حدود ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری بصورت وام در طی ۲۵ سال، در همه شئون سیاسی، اقتصادی، نظامی، ارتباطاتی و امنیتی کشور دخالت و کنترل غالب خواهد داشت، از جمله: همه پروژه‌های صنعت نفت و گاز، خطوط انتقال انرژی (نفت و گاز و برق)، نیروگاه‌های برق، آب و فاضلاب، سدسازی، شبکه‌های آبیاری، بزرگراه، راهسازی، بندرسازی، بهره برداری از معادن، تولید لوازم خانگی، دارویی، تجهیزات پزشکی، آبیاری، شیلات، انجیرداری، شناورهای دریایی، کشاورزی، محصولات لبنی، حتی تولید حشره کش، قارچ، کود از زباله، و غیره، یعنی همه چیز. با توجه به تجربه دیگر کشورها با چین، بزودی در همه این فعالیت‌ها مهندسان، کارشناسان، مدیران و کارگران چینی جای ایرانیان را خواهند گرفت و بیکاری و فقر گسترده‌ای سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. در همه این موارد، مهندسان و کارشناسان خودمان بسیار وارد و با دانش و تجربه در سطح جهانی هستند، میلیونها کارگر با تجربه بیکار و کارخانه‌های نیمه تعطیل داریم که با کاربرد آنها و استفاده از پولهای کلان دزدیده شده از بودجه کشور، نیازمند مهندس و کارگر چینی و بدهکار کردن کشور و برده کردن مردمان نیستیم. همه این پروژه‌های را می‌توانیم خودمان با کیفیت بالاتر و بسیار ارزاتر انجام دهیم و اقتصاد و تولید ملی و سطح زندگی مردم را هم سرعت بهبود دهیم. برای توسعه بندرها، ساخت شهرهای صنعتی، راهسازی و نیروگاه‌ها و غیره ما هیچ نیازی به بیگانه نداریم. ولی وقتی یک نظام بیسواد و کندذهن و ازمنده برای ثروت و قدرت داریم، این حرفها خریدار ندارد. همین چین ۲۵ سال پیش از ما کمک فنی و مدیریتی

خواست، ولی مسئولان بیسواد ما نفهمیدند من شک ندارم که از ۴۰۰ میلیارد سرمایه چینی که قرار است به تدریج و با کالاهای ساخت چین و بخشی هم با پول چینی یوان برای انجام کارهایی که خودمان در آنها توانمندتر هستیم، سران قوم جمهوری اسلامی طبق سنت چهل ساله حدود ۴۰ درصد آنرا به عنوان رشوه، صدور مجوزهای ویژه و اجازه عملیات غیرقانونی مانند عملیات اجرایی با ویرانسازی میراث تاریخی، جنگلها، خاک و آب و غیره و بهره برداری غیرمجاز از معادن و منابع طبیعی از پول چینی‌ها برداشت خواهند کرد. چینی‌ها هم که به این موارد بسیار آشنا هستند مقاومت نخواهند کرد تا سرمایه‌گذاری آنها دارای‌های کمتری را بوجود آورد و ایران را بدهکار کند. مهم‌تر اینکه زیرساخت‌ها و شبکه‌های هوشمند ارتباطاتی و اطلاعاتی، همکاری‌های نظامی، دفاعی و امنیتی، موتورهای جستجوگر ایرانی-چینی، امور راهبردی و مبارزه با تروریسم، تبادل استاد و دانشجوی نظامی و موارد دیگر که با امنیت مالی، اجتماعی و سیاسی کشور ارتباط دارد همه در دست چین خواهد بود. ارتباطات آزاد اینترنت جهانی ما هم با سیستم بسیار بسته داخلی چین هماهنگ خواهد شد. خرید نفت و گاز از ما (۱۲ درصد زیر بهای جهانی میانگین شش ماه گذشته به اضافه ۶ تا ۸ درصد تخفیف) که با دو سال تاخیر بازپرداخت که می‌شود ۳۲ درصد تخفیف. تازه چینی‌ها مشغول چانه‌زنی برای تخفیف بیشتر هستند. سرمایه‌گذاری چین بصورت وام است که باید در مدت معین با بهره بازپرداخت شود. قراردادهای مشابه چین با حدود ۷۰ کشور در حال توسعه که ۴۶ کشور پیمان‌های مستعمراتی مانند ما را بسته‌اند. چین کشورهای چون کنیا، کامبوج، سریلانکا، موزامبیک و غیره را چنان برای بازپرداخت اصل و فرع وام‌هایشان زیر فشار گذاشته که بخشی از خاک آنها را مانند بندر مومباسا در کنیا و تقریباً همه کامبوج کاملاً در اختیار گرفته است. باید توجه کرد که طبق ماده ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.» این موافقتنامه در تخلف فاحش این اصل و نیز اصل ۱۵۲ که سیاست خارجی کشور را از هرگونه سلطه جوئی و سلطه‌پذیری منع میکند است. طبق منابع آگاه مقرر شده ۱۱۰ مستشار نظامی چین به ایران (کیش) بیایند برای آموزش دادن و ۱۱۰ تن از سپاه به چین بروند برای آموختن. بدتر اینکه پنج هزار سرباز چینی در جنوب ایران مستقر میشوند. روسیه نیز سیستم دفاع موشکی اس ۴۰۰ خود را و نیز موشکهای پهبادیاب کاراسوخای ۲ و ۴ و تجهیزات جنگ الکترونیک چین و روسیه را برقرار خواهد کرد که به معنای ناتوانی دفاعی جمهوری اسلامی با همه موشکهای ریز و درشت است. روسیه سیستم اس ۳۰۰ خود را که به ما فروخت هنوز راه اندازی نکرده، به ترکیه و عربستان اس ۴۰۰ فروخت و فوری راه اندازی کرد. روسیه و چین هرچند ایران را زیر جنگ نظامی خود خواهند داشت، ولی هیچکدام هرگز با اسرائیل و آمریکا و عربستان و اروپا بر سر ما درگیر نخواهند شد و همه این کارها برای سوء استفاده از ترس جمهوری اسلامی از آینده خود است. برای مثال، با تهدید آمریکا به تحریم، چین پروژه‌های بزرگراه شمال و گازی پارس جنوبی را ناتمام رها کرد و هیچ جریمه‌ای را هم متقبل نشد. بازرگانی چین با آمریکا ۴۰ برابر ماست و با کشورهای عربی ۲۰ برابر. کاش کمی شعور داشتیم. ساخت فرودگاه‌های نظامی در کنار فرودگاه‌های چابهار، همدان، بندرعباس، و آبادان برای بمب افکن‌های دوربرد توپولف ۲۲ ام ۳ روسی ساخت چین و نیز سوخوی ۳۴ و ۵۷ روسیه در خاک ایران، نه تنها امنیت کشور را

تأمین نخواهد کرد که زمینه را برای ادامه دشمن‌سازی بیشتر و افزوده شدن زرادخانه‌های همسایگان از ترس هدفهای جمهوری اسلامی فراهم خواهد نمود. حضور نظامی چین و روسیه طبق این قرارداد در خلیج پارس و جزیره کیش به سود منافع و امنیت ملی ما نیست، هرچند آرزوی صد ساله پتر کبیر را برآورده و پیمان ترکمانچای را تکمیل میکند. نه چین و نه روسیه در حدی نیستند و منافعشان هم ایجاب نمیکند که بخاطر حضور در خلیج پارس و بخاطر ایران با آمریکا و اروپا در بیافتند، ولی شرایط رفع تنش و ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی و همکاری بر پایه احترام و منافع متقابل با همسایگانمان و اروپا و آمریکا بسیار سخت خواهد نمود. برای اینکه آینده این پیمان ۲۵ ساله را پیش‌بینی کنیم، بد نیست سرنوشت کشورهای دیگر را که با چنین چین پیمانی بسته‌اند را بررسی نماییم. چین با کامبوج شصت و پنج سال پیش را که ۵ سال پیش بست. بیش از یک میلیون کارگر چینی در کامبوج جای کارگران بومی مشغول بکار شده‌اند و مردم کامبوج که بیکار شده بودند، تنها به خودفروشی و قاچاق مواد مخدر به چینی‌ها روی آورده‌اند. مافیای چین اجازه نمی‌دهد که غیر از چینی‌ها کسی در کارگاه‌هایشان کار کند. منابع جنگلی کامبوج بطور کامل غارت و دهها پارک جنگلی به بیابان تبدیل شده و چین زباله‌های کشور خود را در خاک کامبوج دفن میکند. امروز این زباله‌ها یک سوم خاک کامبوج را گرفته است. جزایر کامبوج به تفریحگاه برای چین تبدیل شد و هیچ شهروند کامبوجی بدون مجوز چین نمی‌تواند به این جزایر سفر کند، اتفاقی که در جزیره کیش ما هم رخ خواهد داد. کامبوج پس از ماکانو، دومین کاربنوی چینی‌هاست و از این جزایر هیچ چیز جز زباله و الودگی به مردم کامبوج نمی‌رسد. همه کشورهای طرف پیمان با چین دچار چنین مسائلی شده‌اند یا در مسیر آن هستند. ماهیگیران کامبوجی همگی ورشکست شده‌اند، چون توانایی رقابت با کشتی‌های جاروب کننده چینی را نداشتند و دریای منطقه خالی از هر موجودی شده است. امروز به دلیل بدهی سنگین دولت کامبوج بابت وام و بهره به چین، مجبور شدند قرارداد را تمدید نمایند و این به معنای پایان حاکمیت کامبوج بر منابع خود خواهد بود. فقر فزاینده، کامبوج را بازار صادرات کودکان و دختران جوان کامبوجی به چین شده که در آنجا وادار به تن‌فروشی بیشتر در پکن و شانگهای می‌شوند. یک پرسش بزرگ اینست که چرا چین اصرار دارد مفاد پیمان محرمانه باشد، و چرا مسئولان جمهوری اسلامی متن پیمان را از مردم پنهان نگه میدارند؟ یک دلیل جلوگیری از فاش شدن ترفندهای زیرکانه چین برای درگیر نگه داشتن کشور است. یک ترفند چین اینست که قراردادهای اجرایی پروژه‌ها را بطور درهم تنیده با پروژه‌های دیگر امضاء می‌کند که اگر بخواهید یکی را لغو کنید، پیمان‌های دیگری هم لغو میشوند، البته بدون جریمه. رییس جمهور پیشین ارزاتین خواست یک پروژه سدسازی چین را لغو کند؛ چینی‌ها گفتند در این صورت پروژه خط آهن هم که با آن پیوند خورده لغو خواهد شد. بنابراین، تصویب امضای چنین قراردادی را خیانت فاحش به مردم و آینده ایران می‌دانیم که نه تنها به دوام جمهوری اسلامی و رهبری آن نخواهد انجامید که برونرفت خشونت‌بار آنها را توسط مردم خشمگین و متفکر ایران زود هنگام‌تر و خونین‌تر خواهد نمود. ما نامه‌ای به مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی نوشته‌ایم که از تصویب این پیمان خودداری کنند، زیرا بدون تصویب مجلس شورا طبق قانون اساسی اجرای این پیمان اجرایی غیرقانونی خواهد بود تهران - ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ خ



بلوچستان مظلوم و امنیت سرزمینی ایران - کورش زعیم

در اسطوره ایرانی، سیستان و بلوچستان یازدهمین سرزمینی است که اهورامزدا آفرید. بلوچان از اصیل ترین ایرانیان پیشا آریایی هستند، و زبان بلوچی پهلوئی اوستایی است که اصالت خود را حفظ کرده است. از زمان کورش بزرگ تا ساسانیان، بلوچان از نخستگان ارتش ایران بودند و در کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید از آنان یاد شده است. با پیشینه ای که از شایستگی ایرانیان بلوچ میدانیم، باور داریم که آنان باید بیشتر در اداره کشور مشارکت داشته باشند، نه کسانی که همه ایران را وطن خود نمی‌شمارند. مهربانتر و صلح جوتر و میهمان نوازتر از این ایرانیان اصیل کمیاب است، و فقیرتر و محرومتر و بی پناهتر از آنان نیز کمیاب. در سده بیست و یکم شرایط زندگی اکثریت هم میهنان بلوچ ما از زندگی آنان در بیست و یک سده پیش عقب افتاده تر است. ناراضی مردم بلوچستان از دولت مرکزی، و بی اعتمادی دولت مرکزی به بلوچستان، از زمان دولته دو نیم سازی بلوچستان توسط انگلستان، دولت به دولت تا کنون منتقل و استان به حال خود رها شده بوده است. در صورتیکه مردم بلوچستان خیلی ایرانی تر از مردمانی که امروزه کشور را اداره میکنند هستند. در جایی که سردمداران جمهوری اسلامی به ثروت کشور وفادار هستند، مردم بلوچستان به آب و خاک سرزمین ایران وفادارند. امروز، بزرگترین مسئله هم میهنان بلوچ ما که آنها را آزرده و خشمگین کرده، تبعیض مذهبی، اقتصادی و مشارکتی است. مردم بلوچ، در سال ۱۹ هجری، خیلی زودتر از بقیه ایرانیان، به اسلام گرویدند و اکنون اکثریت آنان اهل سنت حنفی هستند. در تاریخ کهن ایران هم میهنان بلوچ ما بهترین، شجاعترین و کارآمدترین مرزبانان بوده اند. سیاست جمهوری اسلامی در بلوچستان همیشه بسیار خطرناک بوده است. بی‌اعتنایی به شرایط زندگی مردم در بلوچستان راه نفوذ برخی کشورهای را که با موجودیت یکپارچه ایران و رفتار بین المللی جمهوری اسلامی مخالف هستند، باز خواهد کرد. اگر این رخ بدهد شاهد خشونت‌ها و خونریزیهای زیادی خواهیم بود که عملیات خشونت آمیز گروه جنایتکار جیش العدل که تاکنون دهها سرباز و مرزبان ما را شهید کرده نمونه آن است. جنایتی تروریستی اخیر، مانند گروگانگیری سربازان ما، دو حمله مرگبار به اتوبوس فرزندان سرباز ما که دهها از فرزندان ما را شهید کرد را میشد پیشگیری کرد. ما در ۱۳ ۸۸، از فعال شدن یک گروه برونمرزی به نام جیش العدل و اینکه دهها کودک را در نزدیکی کویته آموزش عملیات انتحاری میدادند آگاه بودیم. آیا کسی با دولت پاکستان برای برخورد با این خطر بالقوه مذاکره کرد؟ از آن زمان تا کنون ما صدها حمله از برونمرز داشته ایم، که آخرین آن حمله به اتوبوس نظامیان ما در زاهدان بود که چهل شهید داد و کشور را سوگوار نمود. اینها همگی نشانه بیخردی سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی است که دورتر از نوک بینی خود را نمیتوانند ببینند. نقش مثبت روحانیت سنی در این رویدادها نشان داده که چقدر جایشان در جامعه ایران خالیست. در بلوچستان مانند دیگر مناطق محروم کشور، فقر و محرومیت اقتصادی و اجتماعی در کنار مدارس کپری و طویله ای، و زندگی در شرایط ماقبل تاریخ همچنان وجود دارد. هم میهنان ما در بلوچستان از شغلهایی که شایسته آن هستند محروم و هزاران بلوچ تحصیلکرده دانشگاهی بیکار، و در سراسر بلوچستان اکثریت مردم از کمترین امکانات زندگی محروم هستند. کودکان مدرسه ندارند، روستاها آب ندارند، صنعت نایاب یا ورشکسته است، راههای ارتباطی بسنده نیستند و استان بودجه عمرانی چندانی هم ندارد؛ ولی مرزها برای قاچاق رسمی سوراخ سوراخ است! اگر سردمداران جمهوری اسلامی نمی‌توانند تمامی ایران را میهن خود بدانند، با همه شهروندان ما یکسان و برابر رفتار کنند، کنار بروند و جای خود را به ما ایرانیان بدهند



معرفی تنی چند از بزرگان  
جبهه ملی ایران



دکتر محمد مصدق

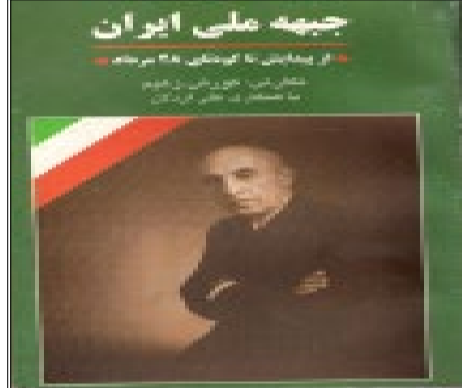
محمد مصدق (زاده ۲۹ اردیبهشت ۱۲۵۸-درگذشته ۱۴ اسفند ۱۳۴۵) مشهور به دکتر مصدق و ملقب به مصدق السلطنه، سیاستمدار، حقوقدان، نماینده هشت دوره مجلس شورای ملی، استاندار، وزیر و دو دوره نخست‌وزیر ایران بود. محمد مصدق نخستین ایرانی دارنده مدرک دکترای رشته حقوق است. مصدق در زمان انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، اگر چه از سلاطین قاجار می‌پسود. با توجه به این که می‌دانست رضا شاه با شاه شدن حکومتی بر مبنای دیکتاتوری و بازگشت به استبداد ایجاد می‌کند، با این کار مخالفت کرد و بعد از آن یکی از منتقدین سرسخت او بود. در زمان حکومت رضاشاه، مصدق زندان رفته و مدتی را در تبعید گذراند. او سلطنت پهلوی را مخلوق سیاست انگلستان می‌دانست. وی بعد از سقوط رضاشاه، از تبعید به عرصه سیاست بازگشت. در سال ۱۳۲۸ با چندین حزب وارد اتحاد شد و با همکاری افرادی مانند حسین فاطمی به تاسیس جبهه ملی ایران اقدام کرد. جبهه ملی و در رأس آن‌ها مصدق، به پیشنهاد فاطمی برای شروع استعمارستیزی در ایران، ملی شدن صنعت نفت را مطرح کردند. مصدق در سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید و در اولین قدم، نفت ایران را ملی کرد. به همین دلیل طرح سقوط دولت او توسط انگلستان (که تا قبل از ملی شدن نفت، صاحب عمده نفت ایران بود) ریخته شد و سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد که توسط سازمان سیا و ام آی ۶ و با حمایت شاه و روحانیون و ارتش انجام شد، دولت مصدق برکنار شد. یکی دیگر از دلایل سقوط دولت او، مخالفت‌های ابوالقاسم کاشانی با مصدق بود. کاشانی در حالی که قبلاً از مصدق حمایت می‌کرد، به همراه جمعی از روحانیون به مخالفت با مصدق برخاست. بعد از آن مصدق در دادگاه نظامی محاکمه شد و علی‌رغم دفاعیه مستندی که از خود ارائه داد، به سه سال حبس انفرادی محکوم شد. پس از تحمل سه سال زندان، مصدق به دستور محمدرضا شاه به قلعه احمدآباد تبعید شد و تا پایان عمر خود، در آنجا تحت نظارت قرار داشت. مصدق سرانجام در ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ بر اثر بیماری سرطان در ۸۷ سالگی در بیمارستان نجمیه تهران تحت نظر مأموران ساواک درگذشت و به دلیل مخالفت شاه با وصیت او مبنی بر به خاک سپرده شدن در کنار کشته‌شدگان قیام ۳۰ تیر در قبرستان ابن بابویه، در ملک شخصی‌اش واقع در قلعه احمدآباد به خاک سپرده شد. در دوران مصدق تورم به صورت تک نرخی باقی ماند. این درحالی بود که نه تنها او از درآمد نفت برای اداره کشور محروم بود بلکه هزینه سنگین حقوق چهل هزار نفر از پرسنل صنعت نفت نیز بر هزینه‌های جاری کشور افزوده شده بود.

راه‌های ارتباطی با جبهه ملی ایران -  
سامان ششم  
پست الکترونیک جهت ارتباط و عضویت  
jmi.saman6@gmail.com  
تلگرام  
t.m/jebhemelliiran6  
صفحه رسمی اینستاگرام  
http://instagram.com/jmi.s6  
تارنما  
www.jebhemelliiran.net

سالمندان و بازنشستگان را دریابید

سالمندان از آسیب پذیرترین قشرهای جامعه هستند. حکومت‌های استبدادی معمولاً کمترین توجه را به این قشر آسیب پذیر دارند. ذهنیت نانوخته اینست که این بخش جامعه به گونه‌ای سربار هستند، زیرا دیگر کار نمی‌کنند و سودی برای حکومت به بار نمی‌آورند. این حکومت‌ها فراموش می‌کنند که این سالمندان بوده‌اند که جامعه را تا به اینجا رسانده‌اند، و بدون توجه و گرامیداشت آنان، جامعه انگیزه خود را از دست می‌دهد، زیرا آینده خود را همانند سالمندان تنها و فراموش شده و در ناتوانی و تنگدستی می‌بیند جمهوری اسلامی حتی از غارت صندوق‌های بازنشستگی، تامین اجتماعی، بیمه درمانی خودداری نکرده، بطوریکه امروز بازنشستگان ما باید هر روز در خیابانها و جلوی ادارات دولتی به تظاهرات اعتراضی و تظلم‌خواهی بپردازند، چه رسد به خواست اصلاح پرداخت‌ها متناسب با تورم وحشتناکی که بیسوادی و فساد مالی حکومتی ایجاد کرده است. ما در جبهه ملی ایران از همه خواست‌های هم میهنان سالمند و بازنشسته و نیز هم میهنانی که بیکار شده‌اند یا توان کار ندارند پشتیبانی می‌کنیم و خواهان رسیدگی فوری و اضطراری به خواستهای آنان هستیم در ایران آینده، پس از گذر جمهوری اسلامی، هیچ سالمندی هرگز نیازمند دارو، درمان، سرپناه، خوراک، آموزش و وسایل تفریح و سرگرمی نخواهد بود. سالمندان به پاس خدماتشان به جامعه، گرامی‌ترین شهروندان بشمار خواهند آمد و احترام و فراهم آوری نیازهایشان از وظایف مهم دولت خواهد بود جبهه ملی ایران - سامان ششم تهران - ۲۳ فروردین ۱۴۰۰ خ

معرفی کتاب



جبهه ملی ایران  
از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد  
نویسنده: کورش زعیم (با همکاری علی اردلان)  
سال انتشار: تیر ۱۳۷۸  
ناشر: انتشارات ایران مهر

کتاب فوق تاریخچه جبهه ملی ایران را با کمال بی غرضی و به صورت یک اثر مطلوب و مفید مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این کتاب در حد وسواس و درکمال بی طرفی و به سبک منصفانه اوضاع و احوال این سازمان سیاسی پنجاه ساله را که بزرگترین خدمت را به استقلال ایران (مبارزات دوره چهاردهم مصدق و همکاریانش) و ملی کردن صنعت نفت و قطع ایدای سیاست های مخرب شرق و غرب نمودار است، تجزیه و تحلیل کرده است. این کتاب به بررسی موضوعاتی همچون پیدایش و سازماندهی و ترکیب جبهه ملی، مصدق در شورای ملی، ملی شدن نفت، نخستین دولت جبهه ملی، نخست وزیری دکتر مصدق و خلع ید اشاره کرده است.



کتاب احزاب سیاسی نوشته دکتر عبدالحمید شمس انتشارات دانشگاه تهران  
در این کتاب با تعریف حزب سیاسی، انواع حزب و علم سیاست آشنا می‌شوید. این کتاب به زبانی ساده و روان شما رو با دانش سیاسی آشنا می‌کند. اگر به شناخت سیات علاقه مند هستید توصیه می‌شود حتما این کتاب بی نظیر را مطالعه کنید.

بیانیه جبهه ملی ایران در حمایت از مالباختگان بورس



و طبق نظر و منافع خود عرضه و تقاضای پول و سهام را در همه بازارها در اختیار دارند و هر روز با ایجاد بحران در یک بازار سوده‌های کلان به جیب می‌زنند و مردم بیچاره برای حفظ ارزش دارایی خود در بازار آشفته پولی و تورم وحشت انگیز، سرگردان و دچار آشفتگی روحی و فکری هستند. در روزهای اخیر حسن روحانی با عنوان رئیس جمهور بدون داشتن کوچکترین صلاحیت علمی و تخصصی مردم را به فعالیت در بورس و خرید سهام دعوت کرده است، در حالیکه بدیهی ترین اطلاعات کلیدی واقعی و ضروری در مورد سهام در اختیار مردم نیست. هدف دولت و حکومت از تعقیب این سیاست کشیدن آخرین رمق از بودجه و ثروت خانواده ها، برای پوشش کسر بودجه شصت درصدی دولت و درگیر کردن مردم با هزاران مشکل شرکتهای مصادره ای طبق اصل ۴۴ قانون اساسی حکومت-ساخته و یا مجوزگرفته شده برای «خودسویی سازی» شرکتها و دارایی ها به بهانه خصوصی سازی طبق قانون خودساخته اصلاح اصل ۴۹ قانون اساسی است. اندوخته های مردم در بانکها و موسسات اعتباری و صندوق های قرض الحسنه، مانند کاسپین، سرمایه، ثامن الحجج و غیره که جملگی تابلو «زیر نظر بانک مرکزی» یا با «مجوز بانک مرکزی» را حتی به دروغ به نمایش می گذارند چه شده است؟ و یا وضع اعمال و اجرای مقررات پولی و بانکی و قوانین مدیریتی بانکها، بویژه در مورد صلاحیت مدیران، چگونه است که هیئت مدیره ها که باید چشم و گوش مورد اعتماد جامعه در حفظ اموال و دارایی های مردم باشند، ناپدید میشوند و لشکر مال باختگان را هر روز به پشت درهای بسته سازمان بورس و بانک مرکزی میکشاند؟ این مصیبت ها برای مردم که در روزهای اخیر برای عده ای از مال باختگان مرگ بار نیز بوده، تنها نشانه ای کوچک از انحرافی است که چهل و دو سال پیش روی داد و بجای یک حکومت جمهوری واقعی با مفاهیم ارکان و استانداردهای رایج در دنیا، چیز دیگری به خورد مردم داده شد که صفت اسلامی را هم یدک میکشد. دولت جمهوری اسلامی، بویژه شخص حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور مسئول همه این ضرر و زیان ما است که اولاً خارج از وظیفه خود مردم را بسوی بورس سوق داده است، ثانیاً ساختار مصنوعی عددسازی و تابلوسازی شاخص ها برای ایجاد هیجان در مردم را راه انداخته است، و ثالثاً افرادی را در سازمان بوس کاشته است که اکثراً فاقد صلاحیت علمی و تخصصی حرفه ای و یا بی طرفی و بی نظری مادی و اخلاقی هستند. تنها راه حل موقت جبران ضرر و زیان مال باختگان و بازگرداندن دستکم، بخشی از پرداختی های آنان از محل اموال و دارایی های شرکتها و مدیران و مقامات ناظر بر بورس است. راه حل میان مدت الغای همه خصوص سازیها و بازگرداندن شرکتها به مالکیت دولت است تا برنامه جامع احیای بخش خصوصی، مسئول در برابر جامعه، مصرف کننده و کارکنان تدوین و اجرا شود. برنامه های خصوصی سازی موفق از دهه ۱۹۹۰ در کشورهای بلوک شرق، در اروپای شرقی و غربی و در کشورهای جهان سوم اجرا شده است. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با استفاده از هزاران کارشناس، تجربه و عملکرد هر دسته از کشورها را منتشر کرده اند. وضع قانون خصوصی سازی، احیای مالکیت فردی، شکستن انحصارات و تسلط های خلق شده توسط بنیادها و نهادهای حکومتی و احترام به حقوق واقعی بنیانگذاران صنایع و شرکتها در ایران، تخصصی کردن رشته ها و مدیریت ها و استفاده از تجربه و مهارت های موفق مدیران شرکتها در کشورهای جهان سوم، با سهم کردن آنها در سود و با مشارکت با شرکتهای رقیب دارای صلاحیت با هدف استقرار در بازارهای جهانی و بالاتر از همه تعقیب دائمی منافع کارکنان و مشتریان واحدها و خانواده آنها و ارتقاء سطح زندگی آنان باید از اهداف اولیه چنین قانونی باشد. جبهه ملی ایران - سامان ششم ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ خ = ۱۸ فوریه ۲۰۲۱ م

بورس سهام در اقتصاد آزاد محل عرضه و تقاضای برکتهای معرف مالکیت بر اموال و دارایی های مالی، فیزیکی یا حقوقی است. خریدار برکتهای یا کسی که پول می‌پردازد و یک برکه سهم را می‌خرد انتظار دریافت سودی را دارد که از دید او از هر کار دیگر در بازار سرمایه سودآورتر است. پایه محاسبه سودآوری در یک سرمایه گذاری ساده‌ترین و مطمئن‌ترین آن سودآوری یا نرخ بهره برکتهای بهادار قرضه کوتاه مدت دولتی و یا اندکی بالاتر، نرخ بهره وام بین بانکی است، این نرخ ها پائین ترین نرخ رایج پایه در بازار سرمایه است، اما خریدار برکتهای در بورس انتظار دریافت سود در نرخ بالاتری را دارد و این نرخ سود بالاتر به دهها عامل مثل درجه اطمینان بر کار و فعالیت و مداومت فعالیت شرکت فروشنده برکتهای، وضعیت مالی شرکت، پرونده های مطرح علیه شرکت در دادگاهها، اسامی هیئت مدیره شرکت و درجه تخصص و کارآمدی آنان، صداقت و درستکاری آنها، عملکرد آنها در گذشته، نوع کار و فعالیت شرکت، بازار محصولات شرکت، اختراعات و اکتشافات شرکت، انواع محصولات و برندهای ثبت شده شرکت، کالاهای رقیب شرکت، پیش بینی تقاضای میان مدت برای محصولات شرکت و دهها نکته دیگر مربوط که جملگی توسط متخصصین و کارشناسان مسلط بر بازار و کالاهای آنها در سطح ملی بلکه در صورت لزوم در سطح منطقه ای و جهانی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. میزان ریسک یا درجه تحقق میزان سود مورد ادعای فروشنده توسط کارشناسان درجه بندی میشود. اگر درجه اعتبار سهمی AAA نبندی طبقه بندی شده باشد هیچ خطری متوجه آن نیست (مانند برکتهای قرضه دولتی ایالات متحده آمریکا). ولی مهم اینست که سهم یک شرکت با درجه AAa و یا سهم یک شرکت با درجه aaa یا aab اعتبار کمتری دارد. همه نکات بالا بر پایه فرض وجود اطلاعات دقیق از وضع مالی هر شرکت از زمان های گذشته، حال و آینده برای کارشناسان و حسابداران خبره در بازار و در نزد موسسات ناظر بر فعالیت موسسات مالی و بر کار موسسات تخصصی مثل انجمن حسابداران خبره، کارشناسان بورس های منطقه ای و ملی و غیره است. باطل کردن مجوزهای کار و فعالیت در بازار و تعیین جرائم نقدی به مبالغ بالا حتی ضبط اموال اشخاص خاطی و انحلال موسسه خاطی از اولین اقدامات تنبیهی برای حفظ اطمینان سرمایه گذاران بر بورس ها است و هیچ یک از این مقدمات و ضروریات در ایران فراهم نیست. در ایران پس از انقلاب، همه ارکان مالکیت فردی و شرایط لازم برای حفظ و دفاع از حقوق فردی مثل قوه قضائیه و وکلای دادگستری مستقل، کارشناسان مستقل، حسابداران خبره رسمی، سازمان حسابرسی تخصصی و مستقل متزلزل و از هم پاشیده است. از همه بالاتر اعداد و ارقام در هر مورد نه تنها تهیه نمیشود که واقعی هم نیست و به موقع برای آگاهی عموم انتشار پیدا نمیکنند بلکه ساختار الزام آور برای استفاده از ارقام واقعی وجود ندارد. در دنیا در هر کشور سازمانی مستقل بنام کمیسیون بورس و برکتهای بهادار در چندین سطح و در چندین تقسیم بندی زیر نظر بانک مرکزی با عضویت عالیترین متخصصین و نمایندگان اتاق ها و انجمن های تخصصی، کار نظارت بر بورس و صدور سهام و برکتهای بهادار را به عهده دارند و به موقع انحرافات را تشخیص و حتی فعالیت بازار یا بازارها را متوقف میکند تا ضرر و زیانی غیرمتعارف یا سقوط بر درجه اطمینان مردم وارد نشود. ضبط اموال و دارایی های افراد مخصوصاً در شرکتهای متعلق به سرمایه داران فعال در اقتصاد قبل از انقلاب باعث شده است که اصل مالکیت سهام عرضه شده مورد پرسش باشد. از اموال و دارایی های تصاحب شده ثروتمندان پیش از انقلاب، شامل خاندان پهلوی و وابستگان آن، چندین بنیاد و ستاد و شرکتها چند منظوره متعلق به حاکمیت درست شده است که کنترل بانکهای دولتی و نیمه دولتی را در دست دارند.